

امیر علیشیر نوایی

(۳)

«محا کمة اللغتين» باضمیمه «تاریخ ملوک عجم در سال ۱۸۴۱ در پاریس از طرف «کاترمر» و در سال ۱۳۱۰ هجری در استانبول با مقدمه مرحوم «نجیب عاصم» و ترجمه لهجه عثمانی آن از طرف «ولد چلبی» طبع و نشر گردیده است. در سال ۱۹۴۱ میلادی بمناسبت پانصدمین سال تولد امیر علیشیر نوایی از طرف انجمن زبان ترکی در «انکارا» با حروف لاتین با انضمام ترجمه و حواشی آقای اسحق رافت ایشمان چاپ شده است.

پرو فیسر بکر چو پانزاده معروف استاد زبان ترکی دانشگاه باکو و صاحب تالیفات متعدد در اصول تدریس و ولکتوژی زبان ترکی از بایجان شوروی در مقاله ای که راجع بمحا کمة اللغتين علیشیر نگارش داده می نویسد: «زبان ترکی در دوره اسلامی چارمدافع بزرگ داشت. یکی محمود الکاشغری مؤلف دیوان «لغت الترك» دیگر شیخ عاشق پادشاه صاحب «غریب نامه» و دیگر نوایی صاحب «محا کمة اللغتين» و دیگر قدری برغموی صاحب صرف ترکی موسوم به «مسیرة العلوم».

نویسنده پس از شرح ادوار تاریخی این مدافعان زبان ترکی و تاثیر ایشان در ادبیات ترکی دوره سلطان سلیمان قانونی را که ترکیه در آن وقت از لحاظ سیاست و اقتصاد بمنتهای قدرت خود رسیده بود بررسی میکند و میگوید که «امیر علیشیر نوایی

در آخرین دوره با عظمت و جلال عنصر ترک در آسیای وسطی ظهور کرد.»

پس از آن راجع بکتاب «محا کمة اللغتين اظهار نظر کرده میگوید: «اگر عقیده مورخ مشهور لئون کاهون که میگفت: در هیچ قاموس و فرهنگ و آکادمی نمیتوان لغتی در مقابل لغات مربوط به شکل اراضی و نباتات حیوانات و غیره را که در ترکی موجود است یافت و قول دانشمندیگر مانند «ماکس مولر» و ژان دنی» که در تفوق زبان ترکی بر السنه هندو اروپائی معتقدانند در نظر گرفته شود دعوی نوایی را نمی توان حمل بر تعصب ملی وی کرد.»

پرو فیسر چو پانزاده حین بررسی رموز و دقایق عصر درخشان ادبی ترک بر مسایل سیاسی و تاریخی ترکیان از قرن هفتم تا قرن یازدهم نیز تماس می گیرد که البته درین جا شایان ذکر نیست.

امیر نظام الدین علیشیر نوایی پس از آنکه کتاب «محا کمة اللغتين» را در ترجمه زبان

ترکی بر زبان فارسی بیابان می‌رساند در ماده ختام چنین می‌نگارد: «چنان می‌پندارم که
بفصحای ترک حقی بزرگ ثابت کردم که بر حقیقت زبان و الفاظ و عبارات و کیفیت
لغات خود واقع شوند و از طبع فارسی گویان رهایی یابند. امیدوار چنانم که برنج
و مشقتی که در بیان اثبات این علم محض متحمل شده‌ام و قوف پیدا کنند و این فقیر را
بادعای خیر یار و روح را شاد فرمایند.

چهارشنبه جمادی الاول ۵۰۹ هجری. «والسلام والکلام».

کتاب مجالس النقایس به زبان ترکی چغتایی یا

مجالس النقایس :

ترکی شرقی در سال ۱۸۹۶ یعنی ده سال قبل از وفات

مؤلف بابت مقدمه و هشت مجلس در ذکر شعرای قبل از وی و معاصر وی تألیف شده است. (۱)

مجلس اول در ذکر شعرای است که هنگام کودکی مؤلف وفات یافته اند و وی بخدمت

شان مشرف نشده است. درین میان اول و مهم‌تر از همه قاسم انوار تبریزی را ذکر میکند

پس از آن از شیخ آذری اسفراینی، کاتبی، خیالی، بساطی، یحیی سبک، قدسی، طوسی،

بابا سودایی، بدخشی، طالب جاجرمی، عارفی، مسیحی و امیر شاهی سبز واری نام می‌برد.

مجلس دوم ذکر شعرای است که مؤلف شخصاً بصحبت ایشان رسیده ولی در

تاریخ تألیف فوت نهوده‌اند. از آن جمله شرف‌الدین علی یزدی مؤلف ظفر نامه

تیموری را معرفی می‌کند. *شکوه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

مجلس سوم ذکر شعرای است که در هنگام تألیف و زمان مولف می‌زیسته و با وی

آشنایی داشته‌اند مانند امیر شیخ سهیلی، سیفی، آصفی، بنایی و اهلی شیرازی.

مجلس چهارم ذکر فضایی است که شعر سرایی شغل آنها نبوده و گاهگاهی

ابیاتی بنظم می‌آورده‌اند مانند حسین کاشفی و اعظم میرخواندمورخ.

مجلس پنجم ذکر سلاطین و امیرزادگان خراسان و سایر بقاع که اتفاقاً

شعری سروده‌اند.

مجلس ششم ذکر فضایی و شعرای است که اهل خراسان نبوده ولی دارای قریحه

شعری بوده‌اند.

(۱) مجالس النقایس نوابی به زبان چغتایی و ترکیه و قرظینی به فارسی با اهتمام حکمت

مجلس هفتم ذکر سلاطین و شهزادگانی است که یا خود شعر می گفته اند یا شعر دیگران را بطور مناسبی خوانده اند مانند تیمور، شاهرخ، خلیل سلطان، الغ بیگ، بایسنقر، میرزا عبداللطیف و دیگر شاهزادگان خاندان تیموری.

مجلس هشتم ذکر اوصاف و مواهب سلاطین و وقت یعنی ابوالغازی سلطان حسین بن بایقرا و حوادث سیاسی ایام سلطنت وی است.

این کتاب آینه جهان نمایی است که از ۳۸۵ تن گویندگان و شعرای قرن نهم با اختلاف نسخ کم و بیش نامبرده است. باتذکره دولتشاه این کتاب از آن حیث فرق دارد که بزبان ترکی نگارش یافته و از آن مجموعه کوچکی است. فقط شامل احوال شعرای معاصری می باشد و پس با آنکه از احوال شعرای اجمالی ذکر کرده است معذک با همه کوچکی آینه بزرگی است که منظره عظیم ادبیات فارسی در قرن نهم از صحایف آن منعکس است و در برابر خواننده دورنمایی از سیر شعر و فنون آن از سر اسر ممالک فارسی زبان از سمرقند تا شیراز و از بدخشان تا تبریز نمایان میگردد. این جماعت گویندگان که از هر صنف و طبقه سلاطین، وزراء، امرا، علما، مشایخ و صوفیه در بین آنها موجود اند در حقیقه این کتاب نماینده کامل ادبیات این قوم و ملت در طول مدت یکصد سال می باشد.

از مطالعه آن بخوبی مشهود میشود که شعر فارسی در آن عصر در سراسر شرق میانه چه وزن و مقامی داشته است و بزرگان قوم و سلاطین و علما تاجه پایه بآن اهمیت می داده اند. و چگونه فن شاعری برای شاهزادگان و زینت جمال مجلس پادشاهان و تکمیل فضایل صوری و معنوی وزراء و رجال از ضروریات شمرده می شده است.

همچنین ازین تذکره کوچک بخوبی استفاده میشود که مدت پنجاه سال یعنی از عهد تیمور تا آخر سلطنت فرزندش شاهرخ با آنکه مملکت دچار تحولات عظیم سیاسی بوده اهل زمان تاجه میزان نسبت بشعر و ادب توجه و دل بستگی داشته اند و هم تاثیر سلاطین بزرگ و امرا بخصوص امیرعلی شیر نوایی مؤلف کتاب را که چه مقدار باهل فضل و ادب درین مرز و بوم توجه داشته اند و چگونه عواطف و احساسات و افکار خود را بر زبان شعر بروز گار گذاشته اند، مبرهن و آشکار میگرداند. خاتم شعرای متقدمین

و پیشوای متأخرین نورالدین عبدالرحمن جامی که از مفاخر ادبیات دینی است، مولود همین عصر و زمان می باشد. و نیز از مطالعه این مجموعه معلوم می گردد که درین عصر تنوع شعر از چه قرار بوده و تأثیر اساتید سلف در آن بر چه منوال است. مثنویهای بسبک فردوسی، نظامی و امیر خسرو در موضوعات ززمی و بزمی و غزلهایی بسبک سعدی حافظ و جامی و قصیدههایی بطرز خاقانی، انوری و امیر خسرو چه مقدار عظیمی ازین عصر بیادگار مانده است ازین کتاب تحقیق میتوان کرد که اینکارها و اختراعات ادبای عصر چگونه بوده اشعار مصنوع و قصاید مطول مزین بانواع صنایع و بدایع و قوافی و بحور گوناگون مانند قصاید و مثنویهای کاتبی ترشیزی و اهلی شیرازی درین فن رواج کامل داشته است.

همچنین يك تفنن ادبی بصورت دیگری درین عصر ظاهر شده که عبارت از توسعه و انشعاب فنی معما سرایی است که این فن در کتابهای شرف الدین علی یزدی و عبدالرحمن جامی راه یافته است.

چیزی که درین اثر نوایی قابل تامل است اینست که نوایی با آنکه خود تقو ذی عظیم در پیدایش شعر ترکی عثمانی داشت شعری ترکی یا بکلی در نظر او مجهول بوده اند و یا از آنان اطلاعی نداشته که هیچ جای ازانها ذکر ننموده است.

این مقاله را به يك غزل امیر علیشیر نوایی که در آن تخلص خود را «فانی» ذکر کرده است به پایان میرسانیم :

دردیهر که دامن پیرمغان گرفت	بهر نجات دامن او میتوان گرفت
نبودد گرزگردش دور فلک غمش	آنکه بکوی میکده رطل گران گرفت
هر کومطاع هر دو جهان داد وصل یافت	گفتن توان که دریمین رایگان یافت
در خانقابه غیر ریا چون ندید دل	شد سوی دیر و دامن رند مغان گرفت

(فانی) بوصل دوست از آنروز برد راه

کو ترک عشق و هوش و گم خانمان گرفت...

اگر چه مرام مجله نظریات درباره تاریخ اروپا مخصوصاً از مرگ (تیودوسیوس) (۱) (۳۹۵) تا سقوط ناپلئون اول (۱۸۱۵) است ولی بهر حال هر گونه مطالب تاریخی با ز اذساحت نشرات آن خارج نخواهد بود. در فاصله‌ای که ذکر شد آرشیف‌های مامخصوصاً، دارای گنجینه‌هایی است که هنوز دست بدان هانرسیده و مورد مطالعه و تحقیق قرار نگرفته است. و بدین صورت آنچه بدان دخالت نخواهیم کرد عبارت از جدا لها و جنجالهای معاصر است و تاجایی که توان داریم میکوشیم از ان بر کنار مانیم ..

آرزو مندیم این مجله با مرام و هدفی که دارد مورد محبت و لطف نه فقط آنانی واقع شود که با تاریخ اختصاصاً، سروکار دارند بلکه کسانی نیز که بامور علمی و فکری علاقه میگیرند نظر محبت انگیز خود را از ان دریغ و مضایقه نکنند. تحقیقات تاریخی، در کشور فرانسه، همواره حرمت و احترام داشته؛ اگر هنوز هم وطن مامدعی باشد که درین رشته علوم بشری از قدیم رقیب و بالادستی نداشته پس شایسته آن است که ترتیباتی برای معاونت و تشویق فضایی فکور گرفته شود. بعلاوه مطالعه تاریخ فرانسه، که مدار کار ما باید بیشتر همین باشد، امروز شأن و حیثیت ملی پیدا کرده است. ما میتوانیم با پرده برداری از چهره سوابق یعنی کشف سنن تاریخی و احیاناً با روشن ساختن تحولاتی که بمرور زمان در آن روی داده، به کشور خود وحدت و قدرت معنوی را فراهم کنیم که بدان سخت نیاز مند است. ختم

(۱) Theodosius 1 (379-395) میلادی، امپراطور روم که لقب کبیر داشت م.م.